



اقتصاد پولی

(موضوعات خاص)

دکتر محمد رضا رنجبر فلاح

امروز کتابخوانی و علم‌آموزی نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.^۱

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتابخوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه مطالعه هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین سوره‌ای که بر آن فرستاده عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد

1. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2696>

شده است: «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده اند.

دانشگاه پیام نور با گستره جغرافیایی ایران شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه جا و همه وقت، به عنوان دانشگاهی کتاب محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره گیری از تجربه های گرانقدر استادان و صاحب نظران برجسته کشورمان، کتاب ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه مهم و خطیر یاری رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه خطیر یاری می رسانند، سپاسگزاری می نمایم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام نور را منزلگاه اندیشه سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام نور

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	هفت
فصل اول. نظریه مقداری پول و سیر تکاملی آن.....	۱
فصل دوم. مکتب پولی، مکتب بانکی و مکتب بانکداری آزاد.....	۳۷
فصل سوم. دکترین برات‌های حقیقی.....	۴۹
فصل چهارم. پول درون‌زا و پول برون‌زا.....	۵۷
فصل پنجم. تحول مفهوم تقاضای پول.....	۶۷
فصل ششم. بالانس‌های واقعی و اثر ثروت.....	۹۱
فصل هفتم. تقابل تورم و بیکاری؛ برداشت فیشر، فیلیپس و فریدمن.....	۱۰۳
فصل هشتم. اصلاح پولی و رشد موفق مالی.....	۱۴۷
منابع.....	۱۶۱

پیشگفتار

در طول سالیان زیادی که درس اقتصاد پولی را به دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری با گرایش اقتصاد پولی تدریس می‌کردم، همواره با دو موضوع مواجه بودم. اول اینکه برخی از دانشجویان با مفاهیم پایه‌ای اقتصاد پولی شامل نظریه مقداری، بازار پول (عرضه و تقاضای پول) و سیر تحول آن‌ها در مکاتب مختلف آشنایی عمیق ندارند. در واقع شناخت آن‌ها از بازار پول به همان مفاهیم، معادلات و منحنی‌هایی برمی‌گردد که در چارچوب اقتصاد کینزی آموخته‌اند و درک آن‌ها از نظریه مقداری پول و چگونگی پیوند آن با بخش حقیقی اقتصاد نیز متأثر از دیدگاه‌های کینز و حملات وی به نظریه مقداری است. حملاتی که به قول هریس در فصل ششم کتاب تئوری پولی‌اش حمله به جلوه‌ای ناقص از کار اقتصاددانان کلاسیک و بعداً نئوکلاسیک به شمار می‌آید. این برداشت کینز آنچنان ناقص و یا نادرست بوده که می‌توانیم بگوییم هیچ نظریه‌پرداز مقداری از نظریه خام مقداری آن‌گونه که کینز به آن حمله می‌کند، حمایت نکرده است. ملاحظه تقریرات ژان باتیست سی در تبیین قانون بازارها که بعداً به اتحاد سی مشهور شد و یا نوشته‌های جان استوارت میل، جیمز میل، ریکاردو، مالتوس، چالمرز، سیسموندی، تورنتون، فولرتون و یا در نامه‌های بین سی و مالتوس نشان می‌دهد، همه آن‌ها به مفروضات و نتایج نظریه مقداری پول و تفکیک آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت و نیز شدت تأثیر فوری و گذرای پول بر قیمت‌ها و یا سطح تولید و همچنین ثبات سرعت گردش پول آگاه بوده‌اند و در ایراداتی که کینز بعداً گرفته، آن‌ها از سالیان قبل

بدان اذعان داشته و در خصوص آن‌ها بحث و مناظره کرده‌اند، ولی درنهایت معتقد بودند اگر شرایط انعطاف‌پذیری و شناور بودن قیمت‌ها و دستمزدها به‌طور طبیعی در ذهن دولتمردان، قانون‌گذاران یا فعالان اقتصادی با تعریف فرایندها و قوانین کشور به‌عنوان یک باور نهادینه گردد، اقتصاد می‌تواند تعادل با ثبات خود در سطح اشتغال کامل را به‌نظاره بنشیند. دوم اینکه کتاب درسی ترجمه شده یا تألیفی به زبان فارسی و به سبک و سیاق آموزشی که بتوان این مطالب را به‌صورت کامل در آن‌ها یافت، به‌جز کتاب اقتصاد پولی تألیف آقای دکتر جهانگیر بیابانی که توسط انتشارات دانشگاه پیام نور و برگرفته از فصول ۱ تا ۸ (از ۲۱ فصل) کتاب تئوری پولی لورنز هریس است، به‌عنوان منبع در دسترس دانشجویان قرار ندارد.

ازاین‌رو بر آن شدم، مجموعه حاضر را که به موضوعات خاص (Topics) در مباحث اقتصاد پولی می‌پردازد به‌عنوان اقتصاد پولی (۲) در ادامه کتاب آقای دکتر بیابانی جهت مطالعه دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری با گرایش اقتصاد پول و یا دروس مرتبط سایر رشته-گرایش‌ها، به سیاق آموزشی دانشگاه پیام نور تدوین نمایم. در اینجا لازم است از آقایان دکتر اسدالله فرزین وش، حسین عیوضلو، محمد نجار فیروزجائی، ولی اله کرمی قه‌ی و خانم دکتر زهرا نصراللهی که یادداشت‌ها و ترجمه‌های دست‌نویس و چاپ نشده خود را در اختیار اینجانب قرار دادند قدردانی نمایم. همچنین بر خود فرض می‌دانم از زحمات همکاران علمی گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور به‌ویژه جناب آقای دکتر اصغر ابوالحسنی، خانم دکتر یگانه موسوی، خانم دکتر بیتا شایگانی که زحمت داوری این کتاب و نیز خانم دکتر نسرين منصوری که زحمت ویراستاری علمی این مجموعه را متقبل گردیدند صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

محمد رضا رنجبر فلاح

فصل اول

نظریه مقداری پول و سیر تکاملی آن

مقدمه

نظریه مقداری پول که به رابطه ایروینگ فیشر^۱ مشهور شده در سیر تحول خود از قرن ۱۶ به بعد تحول زیادی پیدا کرده است. فیشر که شخصی بسیار جالب توجه بود، هم اقتصاددان بود و هم در بسیاری از فعالیت‌های دیگر از جمله رهبری حزبی که طرفدار ممنوعیت مشروبات الکلی بود، شرکت داشت حدود ۳۰ سال با تمام نامزدهای بالقوه ریاست جمهوری آمریکا مصاحبه کرد تا نظر آن‌ها را در مورد مصرف این مشروبات بداند. پرفروش‌ترین کتاب فیشر که با نام «چگونه زندگی کنیم» به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه شده، در مورد بهداشت و تغذیه است و نه اقتصاد. چرا که او در سن ۳۰ سالگی به بیماری سل مبتلا شد، بیماری که پزشکان او معتقد بودند فقط یکسال زنده می‌ماند. ولی او با مسافرت به منطقه خوش آب و هوا در شرق آسیا خود را سرگرم مطالعه در زمینه بهداشت، آداب خوردن و آشامیدن و مواردی نظیر آن نمود و تا ۸۰ سالگی زنده ماند. فیشر کارشناس آمار برجسته‌ای بود و نظریه اعداد شاخص را تکوین کرد. در زمینه ریاضیات، اقتصاد و نظریه مطلوبیت کارکرد و حتی سیستم بایگانی کاردکس را ابداع کرد. ایروینگ فیشر مردی بود با توانایی‌ها و علایق بسیار در زمینه‌های گوناگون.

اساس اصلی نظریه مقداری پول این است که بین مقدار پول در گردش و سطح قیمت‌ها رابطه‌ای وجود دارد؛ اما بیان این فکر به زبان کلی یک چیز است و ارائه نظامی

1. Irving Fisher

تحلیلی که به رابطه پول از یک طرف و قیمت و سایر متغیرهای اقتصادی از طرف دیگر پردازد، چیز دیگری است. آنچه فیشر انجام داد، تحلیل این رابطه، که آن را رابطه مقداری می‌خوانیم و به صورت معادله زیر می‌نویسیم و تکوین آن بود. حجم پول (عرضه پول) ضربدر سرعت گردش پول مساوی است با قیمت ضربدر حجم مبادلات.

$$M.V = P.T \quad (1-1)$$

فیشر نه تنها معادله (۱-۱) را ارائه کرد، بلکه آن را در زمینه‌های مختلف نیز به کار گرفت. وی مقاله معروفی نوشت و «دوره‌های تجاری» را به صورت رقص پول (دلار) تفسیر کرد. او در این مقاله استدلال کرد که نوسانات فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کارها قبل از هر چیز منعکس‌کننده، تغییرات در مقدار پول هستند. تحلیل وی از رابطه بین تورم و نرخ بهره در کتاب او تحت عنوان «افزایش ارزش و بهره» (در سال ۱۸۹۶) و تمایز بین نرخ بهره اسمی سالانه و نرخ بهره حقیقی که تغییر سطح قیمت‌ها در آن تصحیح شده است، برای درک تأثیر سیاست پولی اهمیت زیادی دارد. فیشر بین نرخ بهره حقیقی محقق شده و نرخ بهره حقیقی پیش‌بینی شده که وام‌دهنده انتظار دریافت آن و وام‌گیرنده انتظار پرداخت آن را دارد، تمایز قائل شده است. تفاوت این دو از نظر سیر رویدادها اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد؛ زیرا نشان می‌دهد چرا تورم پس از شروع تا این حد شدید است. با شتاب گرفتن تورم، مردم هم آن را پیش‌بینی و تورم‌اندازی را در محاسبات مربوط به نرخ‌های بهره وارد می‌کنند و در مقام وام‌گیرنده و وام‌دهنده آن را در نظر می‌گیرند.

تحلیل ایروینگ فیشر تا سال ۱۹۳۰ مورد قبول عامه اقتصاددانان بود. تحلیل رایج بر پایه این مفهوم بود که در معادله مقداری پول می‌توان عامل سرعت گردش پول را تا حد زیادی ثابت فرض کرد و تغییرات آن را مستقل از سایر عوامل موجود در معادله دانست. در نتیجه تغییر در مقدار پول می‌تواند در قیمت‌ها یا تولید منعکس گردد و اگر قوانین و مقررات و رویه‌های رایج انعطاف‌پذیری و شناور بودن قیمت‌ها و دستمزدها را ممکن و تضمین نموده باشد و تحت این شرایط سطح تولیدات و بازار کار در اشتغال کامل قرار گرفته باشد، پس تأثیر افزایش حجم پول بر قیمت‌ها به جای تولیدات واقعی منعکس خواهد شد. از این گذشته برای همه مسلم فرض شده بود که نوسانات کوتاه‌مدت در اقتصاد منعکس‌کننده تغییر در مقدار پول و یا تغییر شرایط اخذ اعتبار و

وام و تسهیل یا سختی در آن است؛ و نیز فرض شده بود که روند قیمت‌ها در یک دوره منعکس‌کننده رفتار مقدار پول در گردش در همان دوره است.

در زمینه سیاست اقتصادی نیز، تفکر حاکم (مکتب کلاسیک) پذیرفته بود که سیاست پولی ابزار اصلی موجود برای ایجاد ثبات اقتصادی است و باید تا حد زیادی از طریق حرکت دو لبه قیچی اعمال شود. یک لبه قیچی «نرخ تنزیل» و یا «نرخ بین بانکی» و لبه دیگر «عملیات بازار باز» یعنی خرید و فروش اوراق بهادار دولتی و یا بانک مرکزی است. کینز در رساله «اصلاح پولی» خود که یکی از بهترین آثار وی محسوب می‌شود، این نظر کلاسیک‌ها را به خوبی توضیح داده است.

نکته قابل توجه در رابطه فیشر استفاده از متغیر T به معنای حجم مبادلات است. منظور از حجم مبادلات در این رابطه کلیه مبادلاتی است که با پول انجام می‌شود، چه این مبادلات کالاها و خدمات نهایی باشد که در اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی مبنا قرار می‌گیرد و چه مبادلات کالاها و خدمات غیررسمی، غیرقانونی و یا مبادلات کالاهای عتیقه و دست‌دوم و یا معاملات اوراق بهادار و سهام در بازارهای ثانویه باشد. همچنین بازار ارز و طلا و مواردی از این قبیل برای انجام مبادلات خود بخشی از میزان و سرعت گردش پول را مصروف خود می‌کنند؛ اما بعداً در بسیاری از کتب اقتصادی که شاید به دلیل عدم امکان سنجش و اندازه‌گیری کلیه مبادلات و شاید هم به دلیل اهمیت و وزن تولید ناخالص داخلی بوده است، کل مبادلات و کاربرد آن به عنوان یک متغیر هدف و واقعی، در مدل‌سازی‌های کلان تبدیل به متغیر y شده است. شاید به دلیل رابطه خطی بین تولید اسمی و حجم مبادلات، در معادله (۱-۱) متغیر T به y تبدیل شده است.

$$M.V = P.y \quad (2-1)$$

این معادله چون دو کفه یک ترازوست که در یک کفه آن میزان پول (M) با توجه به وزن (ضریب) سرعت گردش آن (V) و در کفه دیگر میزان کالاها و خدمات نهایی تولید شده (y) با توجه به سطح (شاخص) قیمت کالاها و خدمات (P) قرار دارد. با توجه به توضیحات بالا از رابطه فیشر، در ادامه به سیر تحول نظریه مقداری پول و گزاره‌های حاکم بر این نظریه می‌پردازیم.

یکی از ماندگارترین دکترین‌های اقتصاد، تئوری مقداری پول است که در ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین شکل خود بیان می‌کند، تغییرات در سطح عمومی قیمت کالاها

به‌وسیله تغییرات در مقدار پول در گردش تعیین می‌شود. این تئوری حداقل به اواسط قرن ۱۶ برمی‌گردد که ژان بدن^۱ فیلسوف فرانسوی برای اولین بار تورم قیمت‌ها را به‌وفور فلزات طلا و نقره وارد شده از معادن مستعمرات اسپانیا از جنوب آمریکا نسبت داد. بعد از تغییر، اصلاح، تفسیر و بسط قابل ملاحظه آن در اواخر قرن ۱۷ و قرن ۱۸ به‌وسیله جان لاک^۲، ریچارد کانتیلون^۳ و دیوید هیوم^۴ نظریه مقداری پول به‌عنوان سیر اصلی عقیده پولی کلاسیک کامل گردید. با شکل‌گیری هسته اصلی تجزیه و تحلیل پولی کلاسیک، نظریه مقداری پولی دو تحلیل را ارائه نمود: ۱. ارائه چارچوب مفهومی قاطع برای تفسیر وقایعی که در آن قرن وجود داشت. ۲. ارائه پایه‌های عقلانی برای سیاست‌گذاری کلاسیک که نسخه‌هایی را برای حفظ نظام استاندارد طلا طراحی می‌کرد.

امروز نظریه مقداری باقی‌مانده در دکترین‌هایی که مکتب پولی نامیده می‌شود در دانشگاه شیکاگو و بانک فدرال رزرو در حال پیشرفت است و به‌وسیله اقتصاددانانی چون میلتون فریدمن^۵، کارل برونر^۶، آلان ملتزر^۷، فیلیپ کاگان^۸ و سایرین رهبری می‌شود. اقتصاددانان پولی معاصر به تفسیر نظریه مقداری به همان شکل صریح پیشینیان کلاسیک خود ادامه می‌دهند.

نظریه مقداری بدون چالش نبود بلکه از هر موضوع ساده دیگری در زمینه پولی بحث‌برانگیزتر بوده است. بحث بعضی از رهبران جدال پولی دو قرن گذشته، شامل شمش‌گرایان (Bullionist)، مکتب پولی و مکتب بانکی در دهه ۱۸۰۰ و تنازع بین کینز و اقتصاددانان نئوکلاسیک در دهه ۱۹۳۰ حول موضوعات مربوط به نظریه مقداری دور می‌زد. مباحثی که هنوز فرو ننشسته است. بسیاری از همان موضوعات در منازعات قرن حاضر بین مکتب‌های فکری پول‌گرایان و پسا کینزی‌های اخیر (Post Keynesian) به‌صورت برجسته نمایان است.

هدف از این فصل ورود خوانندگان به منازعات بیشتر این نظریه و مباحث اصلی پیرامون آن می‌باشد. بر این اساس، فصل حاضر ۱. مفاد و کاربردهای موضوعات کلیدی

1. Jean Bodin
2. John Lock
3. Richard Cantillon
4. David Hume
5. Millton Fridman
6. Carell Browner
7. Allen Meltzer
8. Philip Kagan

این نظریه را بررسی می‌نماید. ۲. سیر تکاملی این موضوعات را از آغاز (قرن ۱۷ و ۱۸) تا تبلور آن در دکترین پول‌گرایان در قرن حاضر دنبال می‌کند. ۳. نقش ایفا شده به‌وسیله نظریه مقداری را در مکتب شمش‌گرایان، مکتب بانکی و مکتب پولی و منازعات سیاستی کینز تشریح می‌کند. ۴. خلاصه‌ای از انتقادهای اساسی دسته بندی شده در مقابل این نظریه را در دو قرن گذشته ترسیم می‌نماید.

نظریه مقداری چیست؟

اساساً نظریه مقداری فرضیه‌ای است درباره دلیل اصلی تغییرات در ارزش یا قدرت خرید پول. بر اساس این تئوری، تغییرات در ارزش پول به‌طور عمده به‌وسیله تغییرات مقدار در گردش آن تعیین می‌شود. هنگامی که پول فراوان می‌شود ارزش یا قدرت خرید آن کاهش و متوسط قیمت کالاها افزایش می‌یابد و بالعکس. به‌طور خلاصه نظریه مقداری بیان می‌کند که حجم یا ذخیره پول (M) عامل اصلی تعیین‌کننده سطح عمومی قیمت‌ها (P) است.

این عبارت مختصر کوتاه گرچه به‌صورت کاملاً درست عمل نمی‌کند ولی به‌عنوان نتیجه ساده‌ای که پول را به سمت قیمت‌ها هدایت می‌کند درست است. این تئوری همچنین دربرگیرنده یک مجموعه از قضایا و یا گزاره‌های مرتبط با هم است که از این نتیجه حمایت می‌کنند. مهم‌ترین این گزاره‌ها برمی‌گردد به ۱. تناسب بین M و P ؛ ۲. نقش فعال یا علی M در سازوکار انتقال پولی؛ ۳. خشی بودن پول؛ ۴. نظریه پولی سطح قیمت؛ ۵. برون‌زایی حجم اسمی پول.

گزاره تناسب (The Proportionality Postulate)

اولین گزاره بیان می‌کند که P با نسبتی دقیق و کامل در مقابل تغییرات در مقدار M تغییر خواهد کرد. به‌عنوان مثال یک درصد تغییر در حجم پول منجر به یک درصد تغییر متناسب و برابر در قیمت کالاها خواهد شد. همراه با این تعبیر کلاسیکی محض از نظریه مقداری این قضیه با این فرضیه دنبال می‌شود که مردم برای هدف‌های معاملاتی مقدار ثابتی از بالانس‌های نقدی واقعی ($\frac{M}{P}$) در حالت اشتغال کامل اقتصاد نگه می‌دارند؛ زیرا نگه‌دارندگان وجوه نقد بیشتر به قدرت خرید آن نگاه می‌کنند تا به ارزش

صرف پول یعنی بالانس‌های نقدی‌شان و لذا سطح قیمت‌ها باید با نسبت مستقیم و متناسب تغییر کند تا عرضه اسمی پول برای نگهداری بالانس‌های حقیقی دست‌نخورده باقی بماند.

لذا قضیه تناسب دلالت بر این دارد که تقاضا برای بالانس‌های نقدی واقعی و نیز سرعت گردش پول، کاملاً با ثبات است؛ زیرا اگر سرعت گردش پول و یا تقاضای پول بی‌ثبات باشند مانند زمانی که انتقالات غیرقابل پیش‌بینی است، در این صورت کسی نمی‌تواند کاملاً پیش‌بینی کند که M و P با نسبت یکسان تغییر خواهند یافت. به عنوان مثال فرض کنید که عرضه اسمی پول (M) دو برابر شود و این افزایش همراه باشد با نصف یا دو برابر شدن انتظاری بالانس‌های حقیقی^۱. در حالت اول سطح قیمت‌ها چهار برابر و در حالت دوم بدون تغییر می‌ماند تا بالانس‌های واقعی ($\frac{M}{P}$) به سطوح انتظاری‌شان دست یابند. در حقیقت هر انتقال اختیاری در مقدار بالانس‌های واقعی تقاضا شده نیاز به درصدی تغییر در P متفاوت از M دارد. فقط در صورتی که تقاضا برای بالانس‌های حقیقی بدون تغییر بماند تناسب بین آن‌ها برقرار خواهد بود؛ بنابراین تعبیر محض از تئوری مقداری پول باید تقاضا برای پول را کاملاً پایدار فرض کند تا بتواند پیش‌بینی کند که پول و قیمت‌ها به نسبت یکسان (یک به یک) تغییر می‌کنند.

نقش علی پول (Casual role of money)

دومین گزاره کلیدی تئوری مقداری بیان می‌کند که جهت علیت یا کانال تأثیر از M به سمت P است. به گونه‌ای که تغییرات پولی مقدم و علت تغییرات سطح قیمت است؛ یعنی پول متغیر مستقل فعال و سطح قیمت متغیر وابسته است. مهم‌ترین اصل کاربردی ضمنی در تفسیر پول به عنوان متغیر مستقل این است که تناسب بین پول و قیمت‌ها به شرایط تعادلی‌ای برمی‌گردد که از طریق فرایندهای تعدیل پویا برقرار شده است و نه ناشی از اتحادی که در لحظه‌ای از زمان برقرار است. وجود رابطه تقدم و تأخر و علی بین پول و قیمت‌ها متضمن این است که تغییر در M ابتدا عدم تعادلی بین M و P را به وجود می‌آورد و این عدم تعادل نیروهایی را برای ایجاد تغییر در قیمت ایجاد می‌کند. این تغییر تا زمانی ادامه دارد که تناسب یک به یک ایجاد و عدم تعادل برطرف شود.

البته برای تحقق این فرایند تعدیل باید مکانیسم، مجراها و یا روابطی وجود داشته باشد که تحرکات پول از خلال آن‌ها بر سطح قیمت تأثیر بگذارد. به‌طور سنتی دو مکانیسم انتقالی اصلی شناسایی شده است. ۱. مکانیسم مستقیم مخارج، ۲. سازوکار غیرمستقیم نرخ بهره.

مکانیسم مستقیم به فرایندهایی برمی‌گردد که تغییرات پولی از طریق تأثیر بر روی تقاضای کالاها، به سمت قیمت‌ها کانالیزه می‌شود. حلقه کلیدی در این فرایند ارتباطی است که بین شدت خرج کردن از یک‌سو و فاصله بین بالانس‌های واقعی مطلوب (Desired) و حقیقی (Actual) از سوی دیگر وجود دارد. به نظر می‌رسد تغییر در مخارج معبری است که از طریق آن بالانس نقدی حقیقی به سطح انتظاری که مردم مایل به نگهداری آن هستند، تعدیل می‌یابد. پس به‌عنوان مثال اگر از یک موقعیت تعادلی پولی شروع کنیم. افزایش در عرضه پول، در ابتدا بالانس‌های نقدی واقعی را در مقایسه با سطح انتظاری موجود بالا می‌برد. نگه‌دارندگان وجه نقد، با مقدار پول بیشتری نسبت به آنچه که می‌خواهند نگهدارند مواجه شده و همین آن‌ها را تشویق می‌کند تا با مخارج بر روی کالاها این وجوه اضافه را از خود دور سازند. با این فرض که اقتصاد در اشتغال کامل به سر می‌برد این افزایش تقاضا موجب فشار بر روی قیمت‌ها به سمت بالا می‌شود. مخارج، قیمت‌ها و درآمد اسمی به افزایش خود ادامه می‌دهند تا زمانی که نگه‌دارندگان وجوه نقد دقیقاً حجم پول اسمی را در سطح انتظاری که باید باشد نگهدارند. تعادل مجدد هنگامی برقرار می‌شود که P به اندازه کافی افزایش یابد تا بالانس‌های نقدی واقعی به سطح مورد انتظار قبل بازگردد. به‌طور خلاصه مکانیسم مستقیم دلالت بر عدم تعادل بین بالانس‌های واقعی مطلوب و حقیقی دارد که بر مخارج فشار می‌آورد و نهایتاً موجب می‌شود قیمت‌ها به‌طور متناسب به سمت محرک پولی تغییر یابند. ترتیب آن به‌طور مستقیم از پول به سمت مخارج و سپس به سمت قیمت‌ها است.

در مقابل، مکانیسم غیرمستقیم به فرایندهایی برمی‌گردد که پول بر مخارج و قیمت‌ها از طریق نرخ بهره تأثیر می‌گذارد. در این فرایند تزریق پول در ابتدا موجب می‌شود تا نرخ بهره کاهش یابد. آنگاه مخارج سرمایه‌گذاری به‌عنوان بخشی از مخارج کل افزایش می‌یابد و بنابراین برای بالا رفتن قیمت‌ها فشار می‌آورد. مکانیسم غیرمستقیم متضمن دو حلقه ارتباطی است. ۱. خلق یک شکاف ایجاد شده بین نرخ سود انتظاری از سرمایه با نرخ بهره بازار؛ ۲. پاسخ سرمایه‌گذاری به این شکاف.

مکانیسم‌های مستقیم و غیرمستقیم دو کانال اساسی را فراهم می‌کنند که از طریق آن‌ها فرایند تعدیل قیمتی پویا عمل می‌کند.

گزاره خنثی بودن پول (The Neutrality postulate)

سومین گزاره بیان می‌کند که سوای دوره‌های انتقالی کوتاه‌مدت تعدیل، تغییرات پولی هیچ تأثیری بر متغیرهای واقعی اقتصاد مانند محصول کل، اشتغال و محصول مختلط (Product - Mix) ندارد. این متغیرها به وسیله شرایط غیر پولی مانند سلیقه‌ها، تکنولوژی، موجودی منابع و نرخ‌های جانشینی فنی بین عوامل تولید تعیین می‌شود. از آنجایی که حجم پول هیچ راهی را برای تغییر این شرایط اساسی ندارد این نتیجه به دست می‌آید که تأثیر تغییرات پولی در بلندمدت بر متغیرهای واقعی خنثی بوده و بر عملکرد نیروهای واقعی اقتصاد تأثیری ندارد.

البته باید توجه داشت که گزاره خنثی بودن پول همانند گزاره تناسب فقط به تعادل بلندمدت مربوط می‌شود ولی در طول دوره انتقالی کوتاه‌مدت به سمت تعادل تغییرات پولی می‌تواند به طور کاملاً مشخص دارای اثرات غیر خنثی بر متغیرهای واقعی باشد. به عنوان مثال ممکن است در طول دوره انتقالی آنجا که توزیع ثروت به دلیل ناتوانی بعضی از نگه‌دارندگان وجوه نقد در به دست آوردن دقیقاً همان سهم از پول اضافی و یا ناشی از تأثیر تغییرات پیش‌بینی نشده سطح قیمت‌ها بر ارزش واقعی ادعاهای مالی با مبالغ ثابت، متأثر می‌شود. این اثرات توزیعی ترکیب تقاضا و در نتیجه ساختار تولید را تغییر خواهد داد. علاوه بر این قیمت بعضی از کالاها و یا عوامل ممکن است سریع‌تر از سایرین تغییر کند و بنابراین قیمت‌های نسبی (نرخ مبادله بازار) و در نتیجه مقادیر نسبی متغیرهای واقعی تغییر خواهد کرد. نظریه مقداری انکار نمی‌کند که تغییرات پول ممکن است بر تخصیص منابع در دوره انتقالی تأثیر بگذارد. آنچه آن ادعا می‌کند این است که اثرات عدم خنثی بودن پول موقتی است و در تعادل بلندمدت هنگامی که اقتصاد خود را در قبال تغییرات پولی کاملاً تعدیل نمود، برطرف می‌شود.

نظریه پولی سطح قیمت (Monetary Theory of the Price level)

گزاره خنثایی بیان می‌کرد که تغییرات در مقدار پول تنها بر سطح قیمت P (و نه بر Y) تأثیر می‌گذارد، ولی این گزاره برای حذف این امکان که متغیرهای غیر پولی ممکن

است نقش تعیین‌کننده‌ای در قیمت داشته باشند، کافی نیست. پس در اینجا شرط اضافی دیگری باید وارد شود که براساس این گزاره سطح قیمت، خود گرایش قاطع به متأثر شدن از تغییرات در مقدار پول دارد. دلالت ضمنی این اصل بر این است که تعیین سطح قیمت بیشتر متأثر از اختلالات پولی است تا اختلالات غیر پولی. پس افزایش یا کاهش قیمت‌ها به‌طور عمده تمایل به تغییر ناشی از تغییر در ذخایر پولی دارد تا دلایل غیر پولی که منبعث از بخش واقعی (کالایی) اقتصاد است.

باید توجه داشت که اصل موضوع چهارم به سطح عمومی قیمت‌ها برمی‌گردد نه به قیمت‌های نسبی میان هریک از کالاها با یکدیگر (نرخ‌های مبادله بازاری Market exchange ratios). تئورسین‌های مقداری تأثیر عوامل غیر پولی از قبیل پیشرفت‌های فنی، تغییرات بهره‌وری، شکست تولید، تحریم‌ها، اختلالات در عرضه مواد غذایی و مواد خام، قدرت انحصار، وجود مالیات‌ها و عوارض که مستقیماً بر قیمت‌های نسبی تأثیر می‌گذارند را تصدیق می‌کند؛ اما استدلال می‌کند که چنین تغییرات غیر پولی در قیمت بعضی از کالاها اغلب به‌وسیله تغییرات مخالف (معکوس) در قیمت سایر کالاها تسویه می‌گردند به‌نحوی که سطح متوسط قیمت‌ها بدون تغییر می‌ماند. آن‌ها استدلال می‌کنند شوک‌های پولی هستند که اثرات پایدار و مسلط بر سطح عمومی قیمت‌ها دارند و نه اختلالات بخش واقعی.

برون‌زایی عرضه اسمی پول (Exogeneity of the nominal stock of money)

گزاره پنجم لازم در تئوری مقداری این است که تعیین حجم اسمی پول بی‌ارتباط با تقاضا است. این ایجاب نتیجه‌ای از این قضیه است که عرضه اسمی پول عامل علی مستقل در تعیین سطح P است. اگر عرضه پول یک متغیر مستقل نباشد و پیرو انتقالات پیشین در تقاضای پول باشد در این صورت تئورسین‌های مقداری نمی‌توانند ادعا کنند که آن، یک نقش فعال در تعیین سطح قیمت دارد.

باید تأکید نمود که گزاره برون‌زایی، به حجم اسمی پول برمی‌گردد تا حجم واقعی پول. تفاوت بین این دو متغیر ذخیره بسیار اساسی است. برخلاف حجم اسمی پول، حجم واقعی آن نزد نظریه‌پردازان مقداری به‌عنوان یک متغیر درون‌زا تفسیر می‌گردد که به‌وسیله تقاضای عمومی برای بالانس‌های نقدی تعیین می‌شود. همان‌گونه که قبلاً گفته شد این امر از طریق اثر مخارج مردم بر سطح قیمت صورت می‌گیرد که

ارزش واقعی قدرت خرید را در هر سطح معینی از حجم اسمی پول با مقدار مطلوب (انتظاری) بالانس‌های نقدی واقعی برابر می‌سازد. به‌طور خلاصه، حجم واقعی پول به‌صورت یک متغیر وابسته‌ای در نظر گرفته می‌شود که به‌وسیله تصمیمات عمومی برای نگهداری یا دور کردن وجوه نقد تعیین می‌شود.

هرچند که این تفسیری مسلم و قطعی از ذخیره اسمی پول نیست، اما تئوریسین‌های مقداری بحث می‌کنند که حجم اسمی پول عمدتاً با عواملی مستقل از آنچه تقاضا برای پول را تعیین می‌نماید، مشخص می‌شود. به‌طور متعارف نظریه مقداری به حجم اسمی پول به‌عنوان یک متغیر برون‌زا مربوط است. در روزگاران استاندارد طلا، حجم پول یک کشور اساساً با میزان طلای تولید شده این کشور در گذشته و حال و همچنین با وضعیت حساب‌های خارجی (موازنه پرداخت‌ها) محدود می‌شد. بعداً زمانی که پول کاغذی جایگزین طلا شد، میزان پول به‌صورت برون‌زا به‌وسیله بانک مرکزی مستقل از طریق کنترل پایه پولی (پرقدرت) تعیین می‌شد که اساساً نشئت گرفته از همان بدهی‌های بانک مرکزی است. در این تفسیر، از بانک مرکزی به‌عنوان کنترل کننده حجم پول، فرض می‌شود که روابط با ثباتی بین پایه پول پر قدرت که توسط بانک مرکزی ایجاد می‌شود و سپرده‌ها و پول دفتری ایجاد شده به‌وسیله بانک‌های تجاری، وجود دارد. برای اینکه عرضه کل پول به‌عنوان یک جزء کاملاً برون‌زا عمل کند باید این روابط با ثبات وجود داشته باشد و تئوریسین‌های مقداری استدلال می‌کنند که چنین روابطی وجود دارد.

حتی تئوریسین‌های مقداری این عقیده (روابط ثابت) را در خصوص جانشین‌های پول به‌منظور حداقل ساختن مسائلی که ممکن است ایجاد نمایند برای کنترل و قاعده بندی پولی به کار می‌برند. تئوریسین‌های مقداری هرگز انکار نمی‌کنند که شبه پول‌ها ممکن است دقیقاً مانند پول بر مخارج و قیمت‌ها اثر بگذارند، بلکه آنچه انکار می‌کنند این است که میزان جانشین‌های پول می‌تواند مستقل از میزان پول افزایش یا کاهش یابد و بنابراین به‌صورت مستقل بر قیمت‌ها تأثیر بگذارد. پس پول و جانشین‌هایش با هم مرتبط‌اند و از طریق روابط با ثباتی، تغییرات در پول، تغییرات تقریبی متناسبی را در جانشین‌های پول به همراه خواهد داشت.

بسط تئوری مقداری پول تا قرن نوزدهم

خطوط اساسی تئوری مقداری شروع به شکل گرفتن نمود تا اواسط قرن ۱۶ که ژان بدن نخست نظریه مقداری‌اش از تورم قیمتی را بیان کرد و سپس در اروپای غربی تبیین‌های دیگری از آن صورت گرفت. نویسندگان بعدی دقت بیشتری را به فرضیات ژان بدن معطوف ساختند، بدین صورت که ارزش یا قدرت خرید پول به نسبت دقیقی از حجم در گردش آن تغییر می‌کند. به‌عنوان مثال با دو برابر شدن M مقدار P نیز دو برابر خواهد شد و ارزش هر واحد پول را نصف خواهد کرد. در ابتدا اصل موضوع تناسب (Proportionality) به‌عنوان یک اتحاد مورد عمل قرار گرفت، همان‌گونه که در ابتدا توسط جان لاک (۱۶۹۱) بیان شده بود، این اصل موضوع تأیید می‌کرد که P اغلب در تناسب با M می‌باشد. در سال ۱۷۵۲ دیوید هیوم بیان دیگری را به‌صورت علیت وارد کرد بدین معنا که تغییرات در M تغییرات متناسبی را در P موجب خواهد شد. زمانی که در اوایل قرن ۱۹ نوبت به اقتصاددانان کلاسیک رسید این اصل تناسب به‌عنوان قضیه‌ای از تجزیه و تحلیل ایستای مقایسه‌ای تحلیل شد که تنها برای مقایسه موقعیت‌های تعادلی پیشین و جدید، بعد از اینکه سیستم اقتصادی ناشی از یک تغییر در حجم پول کاملاً تعدیل شد، دارای اعتبار است. این امر تصدیق می‌شد که تناسب بین M و P موقتاً در طول دوره انتقالی بین تعادل‌های پولی متوالی مختل می‌شود.

ریچارد کانتیلون و دیوید هیوم (در قرن ۱۸) ابتدا دو مشخصه اساسی در تئوری مقداری به‌کار بردند. (۱) بین اقتصاد ایستا و اقتصاد پویا به‌عنوان مثال بین موقعیت تعادلی بلندمدت و انتقالات کوتاه‌مدت در گذار به سمت تعادل و (۲) بین خنثایی بلندمدت و خنثایی کوتاه‌مدت پول تمیز قائل شدند. این نویسندگان در مثال‌های ساده‌ای از تجزیه و تحلیل فرایند پویا، مراحل پیوسته‌ای را نشان دادند که از طریق آن‌ها تأثیر تغییر در مقدار پول از یک بخش اقتصاد به بخش دیگر تسری می‌یابد و قیمت‌ها و مقادیر نسبی در این فرایندها تغییر می‌کنند. کانتیلون و هیوم خاطرنشان کردند که این تعدیل تا زمانی ادامه خواهد داشت که تمامی قیمت‌ها به نسبت برابر به سمت حجم پول تغییر کنند و تمامی مقادیر به سطوح اولیه‌شان بازگردند. این توضیح خاص دلیل کانتیلون - هیوم از غیر خنثایی کوتاه‌مدت پول بود. کانتیلون یادآور شد که این مسیر تعدیل پویا از طریق پول جدید تزریق شده به سیستم متأثر خواهد شد. به‌طور مشخص

او بیان کرد که بیشتر تزریق‌های پولی اثرات توزیعی غیر خنثی خواهند داشت. همچنین وی استدلال می‌کرد که عموماً پول جدید در میان افراد متناسب با سهم قبلی‌شان از نگهداری پول توزیع نخواهد شد. برخی بیشتر از سهم متناسبشان دریافت می‌کنند و برخی کمتر. گروه اول به هزینه گروه دوم نفع خواهند برد و بنابراین از طریق خرج پولشان نقش بیشتری در تعیین ترکیب محصول بازی خواهند کرد. به‌طور خلاصه کانتیلون نشان داد که چگونه اثرات توزیع اولیه موقتاً می‌تواند الگوی مخارج را تغییر دهد و بنابراین ساختار تولید و تخصیص منابع را دگرگون سازد.

دیوید هیوم توضیح داد چگونه درجات متفاوت از توهم پولی در میان دریافت‌کنندگان درآمد که با تأخیرات زمانی در فرایند تعدیل همراه است می‌تواند موجب تأخیر هزینه‌ها بعد از قیمت‌ها شود، یعنی هزینه‌ها بعد از افزایش قیمت‌ها افزایش یابد و بنابراین موجب خلق سود و شکل‌گیری هم‌زمان انتظارات خوش‌بینانه در مورد سود گردد. هیوم اعتقاد داشت که هم سودهای واقعی و هم انتظارات خوش‌بینانه موجب افزایش کسب‌وکار و اشتغال در طول دوره انتقالی خواهد شد. البته انتظار می‌رود این آثار غیر خنثایی پول در بلندمدت برطرف شود.

اقتصاددانان قرن ۱۹ به لیست کانتیلون - هیوم از اثرات غیر خنثایی زمانی موارد دیگری افزودند؛ که بیشتر آن‌ها ریشه در ثبات گونه‌های معینی از پرداخت‌های قراردادی و نقص قیمت همه عوامل و منابع تولید برای تعدیل با سرعت برابر داشت. این اثرات غیر خنثایی افزوده شده عبارت‌اند از: ۱. وقفه دستمزدهای اسمی پس از قیمت‌ها که به‌طور زمانی دستمزدهای واقعی را کاهش می‌دهد و بنابراین افزایش تقاضا برای نیروی کار را تشویق می‌کند. ۲. انگیزه و محرکی می‌شود برای افزایش محصول از طریق کاهش بار مالی که ناشی از تورم ایجاد شده و این امر موجب انتقال درآمد واقعی از اعتباردهندگان (اجاره دهندگان) غیر مولد به کارفرمایان وام‌گیرنده مولد خواهد شد. ۳. آنچه که اثرات پس‌انداز اجباری (Forced - Saving) نامیده می‌شود. به‌عنوان مثال تغییرات در سهم منابع اقتصادی از مصرف به سرمایه‌گذاری منعطف می‌شود زیرا فشار قیمت، خود توزیع مجددی از درآمد را بین گروه‌های اقتصادی - اجتماعی که دارای میل نهایی به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری متفاوتی هستند موجب می‌شود و ۴. مشوقی برای سرمایه‌گذاری با کاهش موقتی نرخ بهره و اما به زیر نرخ سود واقعی سرمایه ایجاد خواهد کرد.